

رابطه جهانی شدن با توزیع درآمد در ایران آزمون فرضیه کوزنتس، استالپر - ساموئلسون و ماندل در ایران

محسن نظری*، زهرا فتوره‌چی**

طرح مسأله: ارتباط جهانی شدن و توزیع درآمد از موضوعات مهم اقتصادی است که توجه اقتصاددانان، به خصوص اقتصاددانان توسعه، را به خود جلب کرده و راجع به آن نظرات گوناگونی ابراز شده است. در اقتصاد ایران آگاهی از ارتباط جهانی شدن و توزیع درآمد، به دلیل اهمیتی که مبحث عدالت اجتماعی در مبانی ارزشی دارد و نیز وجود حساسیت‌های اجتماعی در این زمینه، اهمیت ویژه‌ای دارد.

روش: در مقاله حاضر با استفاده از اطلاعات و آمار سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۶ و براساس برآورد مدل‌های رگرسیونی، برای مناطق شهری و روستایی و کل کشور ارتباط بین جهانی شدن و توزیع درآمد تبیین می‌شود.

یافته‌ها: تخمین مدل‌ها نشان می‌دهد در ایران با افزایش GNP ، نابرابری ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد. (فرضیه کوزنتس) افزایش باز بودن تجاری به کاهش نابرابری درآمد در کل کشور و مناطق شهری منجر می‌شود (فرضیه استالپر - ساموئلسون)، اما در مورد مناطق روستایی، باز بودن تجاری تاثیری بر توزیع درآمد ندارد. افزایش FDI نیز تاثیری بر توزیع درآمد در ایران ندارد (رد فرضیه ماندل).
نتایج: نتایج حاصل از تخمین حاکی از تأیید فرضیه کوزنتس و استالپر - ساموئلسون و رد فرضیه ماندل است.

کلید واژه‌ها: استالپر - ساموئلسون و ماندل، توزیع درآمد، جهانی شدن، درجه باز بودن تجاری،

ضریب جینی، فرضیه کوزنتس

تاریخ پذیرش: ۱۴/۱۱/۸۸

تاریخ دریافت: ۷/۱۱/۸۷

* دکتر علوم اقتصادی، عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران <Mohsen.nazari@ut.ac.ir>

** کارشناس ارشد اقتصاد

مقدمه

جهانی شدن فرایندی است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ می‌کند، ارتباطات را گسترش می‌دهد و تعامل بین فرهنگ‌ها را افزایش می‌دهد. جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است. این پدیده محیط زیست را نیز متأثر می‌کند (Perraton, J. 1997).

جهانی شدن را می‌توان رشد متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا، خدمات و جریان سرمایه در ماوراء مرزها و همچنین پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر تکنولوژی دانست (International Monetary Fund, 1997).

عده‌ای بر این باورند که آزادسازی منجر به حرکت بازار کار به سمت انعطاف‌پذیری شده و شفافیت بازار کار را افزایش می‌دهد و در اثر تجارت، تقاضا برای نیروی کار ماهر، در بخش‌هایی که به سمت بازار جهانی راه یافته‌اند، افزایش می‌یابد. ولی عده‌ای معتقدند که آزادسازی تجاری مشکلاتی از قبیل افزایش بیکاری و نابرابری درآمد در کشورهای پیشرفته و استعمار کارگران در کشورهای در حال توسعه را به وجود آورده و باعث افزایش فقر و نابرابری افقی یا عمودی خواهد شد (Bardhan, Pranab. 2006).

جهانی شدن تأثیراتی بر رشد، انتقال تکنولوژی، فرهنگ، توزیع درآمد و... دارد. دیدگاه‌های متفاوتی در مورد آثار جهانی شدن وجود دارد. در این مقاله اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد بررسی می‌شود و سه فرضیه کوزنتس^۱، استالپر - ساموئلسون^۲ و ماندل^۳ با استفاده از داده‌های ایران بررسی می‌شود.

ساختار مقاله به صورت زیر است: ابتدا به طرح مساله می‌پردازیم، سپس چارچوب نظری و سوابق پژوهش را بررسی می‌کنیم و بعد از توضیح روش تحقیق، به تخمین معادلات پرداخته، یافته‌های تحقیق را تجزیه و تحلیل می‌کنیم؛ در نهایت پس از نتیجه‌گیری پیشنهادهایی ارائه می‌گردد.

1. Kuznets
2. Stolper - Samuelson
3. Mundel

۱) طرح مساله

جهانی شدن، مهم‌ترین تفاوت جهان دیروز و امروز است. جهانی شدن، یک انقلاب جهانی است که به لحاظ هدف و اهمیت می‌توان آن را با انقلاب صنعتی مقایسه کرد؛ درحالی‌که تحولات مربوط به انقلاب صنعتی طی یک قرن یا بیشتر ادامه داشت، جهانی شدن طی یک یا چند دهه روی داده است و بی‌وقفه ادامه دارد. اگرچه جهانی شدن فرصت‌های جدیدی برای رشد و توسعه، از جمله افزایش رقابت، رشد بالاتر، انتخاب وسیع‌تر، تحرک بیشتر سرمایه، کارایی شرکت‌های فراملیتی، و انتقال فن‌آوری، ارائه کرده، درعین‌حال چالش‌هایی به‌وجود آورده و نگرانی‌های زیادی در زمینه نابرابری توزیع درآمد و فقر در میان اقشار مختلف جوامع ایجاد کرده است.

جهانی شدن حتی اگر باعث افزایش درآمد سرانه شود، با این حال احتمال دارد توزیع درآمد بهبود چندانی پیدا نکند و یا در مراحل اولیه بدتر شود؛ لیکن در طولانی‌مدت با نزدیک شدن کارگران غیرماهر به ماهر این نابرابری درآمد کاهش می‌یابد. نتایج حاصل در کشورهای مختلف در زمینه توزیع درآمد متفاوت است. با وجود اهمیت چشم اندازهای مثبت و منفی جهانی شدن، که به برخی از موارد آن اشاره کردیم، در این مطالعه قصد داریم تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد را با توجه به فرضیه‌های مربوطه بررسی کنیم.

۲) چارچوب نظری و سوابق پژوهش

در نظریه‌های تجارت بین‌الملل همچون نظریه‌های هکشر - اوهلین^۱ و استالپر - ساموئلسون^۲ به ارتباط تجارت بین‌الملل و توزیع درآمد اشاره شده است. طبق این نظریه‌ها، تجارت بین‌الملل باعث افزایش درآمد صاحبان عوامل تولید فراوان و کاهش درآمد صاحبان عوامل تولید کمیاب می‌شود. برای مثال اگر در کشوری نیروی کار فراوان و سرمایه عوامل تولید کمیاب باشد درآمد نیروی کار، بالا و درآمد صاحبان سرمایه، پایین می‌رود. تجارت

1. Heckscher - Ohlin

2. Stolper - Samuelson

بین‌الملل باعث می‌شود که این کشور کالاهای کاربر صادر و کالاهای سرمایه‌بر وارد کند، بنابراین تقاضا برای نیروی کار و دستمزد افزایش می‌یابد و برعکس، تقاضا برای سرمایه و نیز و درآمد صاحبان سرمایه کاهش می‌یابد. بنابراین آزادسازی تجاری و تجارت بین‌الملل باعث می‌گردد که توزیع درآمد بهبود یابد.

مطالعات تجربی زیادی از دهه ۹۰ به بعد در ارتباط با جهانی شدن و توزیع درآمد صورت گرفته است.

پوز و راینسون (Paus & Robinson, 1999)، بارو (Barro, 2000)، ماندل (Mundel, 1954)، فنزترا و هانس (Feenstra & Hanson, 1999)، نیوتل و حشمتی (Heshmati, 2006)، آگزا (Agza, 2002)، علی عبدل قدیری (Ali Abdel Gadir, 2003) و کریستف احراث (Christophe Ehrhart, 2004) و سالواتوره (Salvatore, 2007) نمونه‌هایی از مطالعاتی است که به رابطه توزیع درآمد و جهانی شدن پرداخته‌اند که در این مطالعه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. نتایج حاصل از مطالعات متفاوت است.

پانیوپون (Panupon, 2009) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط جهانی شدن و توزیع درآمد بین کشورهای آسیای جنوبی، با استفاده از مدل تعادل عمومی پرداختند. در این مدل ۵۷ بخش و ۸۷ کشور انتخاب شده و نتیجه نشان می‌دهد که از زمان آزادسازی، تمایل این کشورها به تولید کالاهای سرمایه‌بر بیشتر از کالاهای کاربر شده و به دلیل کاربر بودن این کشورها، شکاف درآمد بین کشورهای با درآمد بالا و درآمد پایین بیشتر شده است.

یون لی (EunLee, 2006) به مطالعه نابرابری درآمد و جهانی شدن در ۱۴ کشور اروپایی، در طول دوره زمانی ۱۹۹۲-۱۹۵۱، پرداخته است. وی با استفاده از روش پانل دیتا به این نتیجه رسیده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. همچنین یک تصویر کلی برای رشد، برابری و جهانی شدن در اروپا وجود دارد که البته این مدل رشد در کشورهای مختلف اروپایی براساس ساختار کشورها متفاوت است.

توان (Toan, 2004) با استفاده از مدل تعادل عمومی (CGE)، ارتباط بین توزیع درآمد

و آزادسازی تجاری را در بین گروه‌های خانواری ویتنام بررسی می‌کند. این کار با استفاده از مدل تعادل عمومی پویای چند بخشی و ماتریس حساب‌های (SAM) اجتماعی انجام شده است. مدل آن‌ها شامل ۲۵ بخش، ۸ گروه خانوار و ۱۳ عامل تولید است. طبق این بررسی آزادسازی تجاری، شکاف بین خانوارهای شهری و روستایی وسیع‌تر خواهد شد و این امر وضع توزیع درآمد را بدتر می‌کند.

ماه (Mah, 2002) در مقاله خود به بررسی نظریات مربوط به تاثیرات جهانی شدن و توزیع درآمد در کره طی دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۵ می‌پردازد. بر طبق این مطالعه وضع توزیع درآمد در کره، شواهد ضعیفی در تایید فرضیه کوزنتس ارائه می‌دهد. ولی هیچ‌کدام از تغییرات در درجه باز بودن و ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر معنی‌داری بر توزیع درآمد در کره از خود نشان نمی‌دهد.

تیلور (Taylor, 2000) آثار آزادسازی بر رشد اشتغال و توزیع درآمد را در ۹ کشور در حال توسعه (آمریکای لاتین و دیگر کشورها) بررسی کرده و یافته‌های وی در این زمینه نشان می‌دهد که در بهترین حالت، آزادسازی، باعث بهبود معتدل رشد اقتصادی و عدالت توزیعی شده اما در بدترین حالت، افزایش جریان سرمایه با بدتر شدن توزیع درآمد و رشد کندتر همراه بوده است.

ماندل (Mundell, 1957) در سال ۱۹۵۷ این‌طور فرض کرد که جریان ورودی FDI از نابرابری‌های درآمدی در کشورهای در حال توسعه می‌کاهد.

گورگ و فیگنی (Figini & Gorg, 1997) به بررسی جهانی‌شدن شرکت‌های چندملیتی و نابرابری درآمدی در ایرلند می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که نابرابری دستمزدها با جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حضور این شرکت‌ها افزایش می‌یابد ولی با گذشت زمان هرچه کارکنان ساده‌یقه آبی (غیرماهر) به مهارت بیشتری دست یابند و به (نیروی کار ماهر) یقه سفید تبدیل گردند، نابرابری درآمد به‌طور منظم کاهش می‌یابد.

بیر، روجاس او ورگارا و... (Beyer, Rojas, Vergara, 1999) به بررسی ارتباط میان اصلاح تجارت و عدم تساوی حقوق در کشور شیلی می‌پردازند و در چارچوب مدل

هکشور - اوهلین نتیجه می‌گیرند که کاهش قیمت نسبی کالایی که به کارگر فراوان نیاز دارد منجر به افزایش نابرابری دستمزد در این کشور می‌شود و افزایش سطح تحصیلات نیروی کار نابرابری دستمزد را در این کشور کاهش می‌دهد؛ همچنین باز بودن تجاری، شکاف دستمزد کارگر ماهر و غیر ماهر را افزایش می‌دهد.

پاس و رایینسون (Paus & Robinson, 1999) با بررسی عملکرد دستمزدهای واقعی با استفاده از باز بودن تجارت، نتیجه گرفتند که نابرابری درآمد، ناشی از باز بودن تجارت و فزونی یافتن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و جهانی شدن یکی از عوامل نابرابری‌های درآمد میان اقشار مختلف جامعه است.

فینسترا و هنسون (Feenstra & Hanson, 1997) با استفاده از داده‌های کشور مکزیک، ضمن بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نابرابری دستمزدها نشان دادند که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به داخل کشورهای در حال توسعه باعث افزایش دستمزدهای کارکنان ماهر در مقایسه با کارگران غیرماهر می‌گردد و در نتیجه نابرابری درآمد بین کارگران ماهر و غیرماهر بیشتر می‌شود.

شانگ و وو (Shang & Wu, 1999) اثر جهانی شدن و نابرابری درآمد را بر ۱۰۰ شهر چین در دوره زمانی ۱۹۸۸-۱۹۹۰ بررسی کرده و نتیجه گرفتند که ارتباط باز بودن تجاری و نابرابری درآمد منفی و معنی‌دار است و باز بودن تجارت منجر به کاهش نابرابری درآمد شهری و روستایی می‌شود.

بایر، رجا و رجا (Beyer, & Rojas & Vergara, 1999) با انجام مطالعه‌ای در کشور شیلی نشان دادند که باز بودن تجاری، شکاف بین نیروی کار ماهر و غیرماهر را افزایش داده و این امر منجر به بدتر شدن توزیع درآمد در کشورهای آمریکای جنوبی شده است.

بارو (Barro, 2002) به بررسی نابرابری درآمد و رشد در تعدادی از کشورها می‌پردازد و نابرابری‌های فاحش درآمد را باز بودن تجارت می‌داند.

مالر و همکاران (Mahler, 1999) با بررسی تاثیر تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری درآمد در سال ۱۹۹۱، دریافتند که جریان FDI در تشریح نابرابری‌ها

اهمیت چندانی ندارد.

گرچی و برهانی‌پور با استفاده از روش هم‌جمعی یوهانسون جوسیلیوس و به‌کارگیری شاخص شدت تجاری، به بررسی ارتباط جهانی شدن و توزیع درآمد بین سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۴۸ پرداختند و نشان دادند که با وجود ساختار فعلی ایران جهانی شدن باعث افزایش نابرابری درآمد شده و وضعیت توزیع درآمد را بدتر می‌کند. (ابراهیم گرچی و محمد برهانی‌پور، ۱۳۸۶) عبادی و شهیکی با بررسی نابرابری جریان تجاری سرمایه‌گذاری و درآمد در جهان به روش ناپارامتریک در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۶۰، نتیجه گرفتند که نابرابری در جهان از سال ۱۹۷۶ به بعد افزایش یافته، شاخص آنتروپی از سال ۱۹۷۵ به بعد تقریباً ثابت بوده ولی شاخص مرتبه اول شانن یک روند صعودی داشته و این موضوع نشان می‌دهد که افزایش نابرابری در سهم GDP، منجر به افزایش نابرابری‌های جهانی می‌شود (جعفر عبادی و محمد نبی شهیکی تاش، ۱۳۸۵).

اکبر ناجی به بررسی تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر رشد، اشتغال و توزیع درآمد در ایران، از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۹، پرداخته و از شاخص نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی استفاده کرده است. وی در پایان نتیجه می‌گیرد که جهانی شدن بر رشد اقتصادی ایران بی‌تاثیر بوده و بر کاهش نرخ بیکاری تاثیر اندک داشته که این امر به نابرابری درآمدی و بدتر شدن توزیع درآمد در ایران منجر شده است. در این رساله برای بررسی ارتباط جهانی شدن و توزیع درآمد از اضافه بهای نرخ ارز در بازار سیاه به‌عنوان شاخص جهانی شدن و از ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد استفاده شده است (اکبر ناجی، ۱۳۸۲).

غلامرضا کشاورز حداد به بررسی جهانی شدن با معیار آزادسازی تجاری و نابرابری دستمزد در ایران پرداخته و با مبنا قرار دادن نظریه استالپر - ساموئلسون و با استفاده از روش پانل دیتا برای دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ نتیجه می‌گیرد که کاهش نرخ تعرفه‌ها سبب کاهش دستمزد افراد غیرماهر و افزایش دستمزد افراد نیمه ماهر و ماهر شده و شکاف دستمزد را افزایش می‌دهد.

تفاوت در نتایج تحقیقات دو دلیل اساسی دارد:

الف) شاخص‌هایی که برای جهانی‌شدن و نابرابری درآمد به کار گرفته شده‌اند، متفاوت‌اند. به عبارت دیگر محققان مختلف، شاخص‌های متفاوتی را به کار گرفته‌اند؛ متغیرهایی مثل نسبت صادرات و واردات به GNP، شاخص سطح جهانی‌شدن، تفاوت نرخ بهره داخلی و خارجی و... شاخص‌های متفاوتی هستند که در تحقیقات گوناگون به عنوان شاخص جهانی‌شدن به کار گرفته شده‌اند. برای نابرابری درآمد نیز از شاخص‌هایی همچون شاخص جینی، نسبت دهک‌های درآمدی، شاخص تایل و... استفاده می‌شود. بدون شک بکارگیری شاخص‌های متفاوت باعث نتایج متفاوت نیز خواهد شد.

ب) تفاوت در دوره‌های مطالعه، مناطق مختلف و روش‌های مختلف تخمین توابع نیز، منجر به تفاوت نتیجه‌گیری‌ها می‌شود.

۳) متغیرها و فرضیات تحقیق

متغیر وابسته در این مدل، نابرابری درآمد است که با سه شاخص ضریب جینی، شاخص تایل و سهم ده درصد افراد با درآمد بالا به ده درصد افراد کم‌درآمد اندازه‌گیری شده است. این شاخص‌ها به تفکیک مناطق روستایی، شهری و کل ارائه شده‌اند تا اثر متغیرها به تفکیک مناطق شهری و روستایی باشند. متغیرهای مستقل با توجه به سه فرضیه کورنتس، استالپر - ساموئلسون و ماندل وارد مدل شده‌اند.

فرضیه کورنتس یا U معکوس این است که با افزایش درآمد، نابرابری ابتدا افزایش می‌یابد و سپس کاهش می‌یابد. متغیر GNP سرانه و توان دو GNP سرانه در مدل وارد شده است تا این فرضیه آزمون گردد. اگر ضریب GNP سرانه مثبت و ضریب توان‌دار آن منفی باشد، فرضیه کورنتس تأیید می‌گردد.

فرضیه استالپر - ساموئلسون این است که افزایش تجارت بین کشورها یا بازبودن تجاری به کاهش نابرابری درآمد منجر می‌گردد. برای آزمون این فرضیه متغیر شدت تجاری، صادرات به علاوه واردات تقسیم بر GDP ضرب در ۱۰۰ را وارد مدل کردیم. اگر

$$1. 100*(GDP) / (M+X)$$

ضریب این متغیر منفی باشد به این معنی است که فرضیه استالپر - ساموئلسون تایید می‌شود (از شاخص‌های دیگر نیز برای درجه بازبودن اقتصاد در تحقیق استفاده شد که بهترین نتیجه با متغیر فوق به دست آمد).

طبق فرضیه ماندل بازبودن مالی یک اقتصاد به کاهش نابرابری می‌انجامد. برای آزمون این فرضیه متغیر FDI / GDP را وارد مدل کرده‌ایم که FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و GDP تولید ناخالص داخلی ایران است. اگر ضریب این متغیر منفی باشد به این معنی است که باز بودن مالی یک اقتصاد به کاهش نابرابری منجر خواهد شد.

۴) روش تحقیق

تخمین مدل با استفاده از داده‌های سری زمانی برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۴۹ در ایران صورت گرفته است. ماخذ داده‌ها، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است و مدل با استفاده از نرم‌افزار Eviews و با روش OLS برآورد شده است.

در مجموع نه معادله تخمین زده شده است که متغیرهای مستقل همه آن‌ها FDI/GDP , GNP , GNP^2 و $(X+M)/GDP$ است. متغیر وابسته در معادله‌های مختلف متفاوت است. ضریب جینی، شاخص تایل و نسبت سهم دهک بر درآمد به دهک کم درآمد به تفکیک مناطق شهری، روستایی و کل به عنوان متغیر وابسته در ۹ معادله تخمین زده شده به کار رفته است. معادلات تخمین زده شده به شرح زیر هستند:

$$1) \text{Gini} = a + b (\text{percapitaGNP}) + c (\text{percapitaGNP})^2 + d (\text{openness ratio}) + e (\text{FDI inflow}) + \varepsilon$$

$$2) \text{Dahak} = a + b (\text{percapitaGNP}) + c (\text{percapitaGNP})^2 + d (\text{openness ratio}) + e (\text{FDI inflow}) + \varepsilon$$

$$3) \text{Tile} = a + b (\text{percapitaGNP}) + c (\text{percapitaGNP})^2 + d (\text{openness ratio}) + e (\text{FDI inflow}) + \varepsilon$$

که Gini coefficient ضریب جینی، percapitaGNP درآمد سرانه، openness ratio درجه باز بودن، FDI inflow ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، Dahak نسبت دهک بالا به دهک کم درآمد و Tile شاخص تایل است.

با استفاده از آزمون دیکی فولر مانایی تمامی متغیرها بررسی شد که برخی متغیرها با یک بار تفاضل‌گیری و با عرض مبدا مانا شدند. برای جلوگیری از رگرسیون کاذب، با استفاده از روش

«هم‌انباشتگی»، باقی‌مانده تخمین را با آزمون دیکی فولر بررسی کردیم که نتایج آن، بیان‌گر هم‌انباشتگی باقی‌مانده تخمین‌ها بوده و نشان می‌دهد که ترکیب خطی متغیرها ماناست و یک ارتباط تعادلی بلندمدت بین متغیرهای وابسته و مستقل وجود دارد.

پس از تخمین معادلات، برای بررسی وجود یا عدم خودهمبستگی آزمون ARCH LM TEST و برای بررسی همسانی یا ناهمسانی واریانس، آزمون دگرپراکنش^۱ را به کار برده‌ایم. اکثر معادلات از ناهمسانی واریانس و برخی معادلات از خود همبستگی مرتبه اول برخوردار بوده‌اند. بنابراین برای رفع ناهمسانی واریانس، در این تحقیق روش TSLS به کار گرفته شده است.

نتایج حاصل از تخمین مدل در جداول شماره یک ارائه شده است. تفسیر نتایج در مورد فرضیه‌های کوزنتس، استالپر - سامونلسون و ماندل در جداول شماره ۲، ۳ و ۴ ارائه شده است.

1. Heteroscedasticity

جدول ۱: نتایج برآورد ۹ معادله مدل

متغیر وابسته	ضریب جینی			شاخص تایل			سهم ده درصد با درآمد بالا به درآمد پایین		
	روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	شهری	روستایی	کل
متغیر مستقل	۰/۰۰۰۰۵۴ (۲۷۱)	۰/۰۰۰۰۳۲ (۳۳۴)	۰/۰۰۰۰۲۴ (۲۰۱)	۰/۰۰۰۰۵۶ (۱/۶۱)	۰/۰۰۰۰۴۷ (۲/۱۶)	۰/۰۰۰۰۳۹ (۲/۶۵)	۰/۰۰۰۰۲۸ (۲/۳۸)	۰/۰۰۰۰۱۰ (۰/۱۱)	۰/۰۰۰۰۱۱ (۱/۸۴)
GNP	۰/۰۰۰۰۰۰۳۳ (-۱/۳۳)	۰/۰۰۰۰۰۰۱۲ (-۳/۰۵)	-۰/۰۰۰۰۰۰۲۸ (-۳/۱۲)	-۰/۰۰۰۰۰۰۴۹ (-۰/۶۴)	-۰/۰۰۰۰۰۰۲۸ (-۲/۸۳)	-۰/۰۰۰۰۰۰۷۳ (-۳/۲۱)	-۰/۰۰۰۰۰۰۱۱ (-۳/۷۸)	-۰/۰۰۰۰۰۰۵۲ (-۰/۴۷)	-۰/۰۰۰۰۰۰۳۵ (-۲/۰۳)
GNP ²	۰/۰۰۰۰۳۰ (۰/۷۹)	۰/۰۰۰۰۴۲ (۲/۴۲)	۰/۰۰۰۰۱۸ (۳/۴۶)	۰/۰۰۰۰۶۸ (۰/۲۱)	۰/۰۰۰۰۱۲ (۱/۴۸)	۰/۰۰۰۰۲۸ (۱/۵۶)	۲۲/۳۷ (۱/۶۷)	۰/۷۸ (۰/۵۱)	۱۸/۷۶ (۲/۸۵)
FDI/GDP	-۰/۰۰۰۰۰۰۲۷ (-۰/۴۶)	۰/۰۰۰۰۰۰۱۳ (-۲/۱۹)	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۱ (-۲/۱۹)	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۴۳ (-۱/۹۴)	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰ (-۲/۷۵)	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۴۳ (-۳/۶۱)	۲/۳۴ (-۲/۲۶)	-۲/۳۴ (-۱/۶۷)	-۰/۰۰۰۰۰۰۱۷ (-۳/۰۱)
(X+M)/GDP									

جدول ۲: بررسی فرضیه کورنتس، استالپر - ساموئلسون و ماندل با استفاده از ضریب جینی

کل	شهری	روستایی	ضریب جینی فرضیات
معنی دار و قبول	معنی دار و قبول	معنی دار و قبول	کورنتس
معنی دار و قبول	معنی دار و قبول	بی معنی	استالپر - ساموئلسون
معنی دار و رد	معنی دار و رد	بی معنی	ماندل (بازبودن مالی)

جدول ۳: بررسی فرضیه کورنتس، استالپر - ساموئلسون و ماندل با استفاده از شاخص تایل

کل	شهری	روستایی	شاخص تایل فرضیات
معنی دار و قبول	معنی دار و قبول	بی معنی	کورنتس
معنی دار و قبول	معنی دار و قبول	بی معنی	استالپر - ساموئلسون
بی معنی	بی معنی	بی معنی	ماندل (باز بودن مالی)

جدول ۴: بررسی فرضیه کورنتس، استالپر - ساموئلسون و ماندل با استفاده از شاخص سهم

دهک‌ها

کل	شهری	روستایی	سهم دهک بالا به پایین فرضیات
معنی دار و قبول	معنی دار و قبول	بی معنی	کورنتس
معنی دار و قبول	معنی دار و قبول	بی معنی	استالپر - ساموئلسون
معنی دار	بی معنی	بی معنی	ماندل

۵) یافته‌ها

فرضیه کوزنتس با سه شاخص ضریب جینی، تایل و نسبت دهک‌ها برای مناطق کل و شهری تایید می‌گردد، درحالی‌که این فرضیه برای مناطق روستایی فقط برای ضریب جینی، معنی‌دار و قابل قبول است. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه کوزنتس در ایران مصداق دارد، یعنی با افزایش GNP، نابرابری ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد. دلیل آن این است که با رشد اقتصادی توجه دولت به بار توزیع درآمد و کمک‌های رفاهی و انتقالی بیشتر می‌گردد. توجه به جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که علامت ضرایب GNP و GNP^2 در همه موارد مطابق با فرضیه کوزنتس است.

فرضیه استالپر - ساموئلسون با توجه به سه شاخص نابرابری (ضریب جینی، شاخص تایل و نسبت دهک‌های درآمدی) برای کل کشور و مناطق شهری تایید می‌گردد. یعنی افزایش باز بودن تجاری به کاهش نابرابری درآمد می‌انجامد. در مورد مناطق روستایی، فرضیه استالپر - ساموئلسون بی‌معنی است. البته لازم به یادآوری است که علامت ضریب شاخص باز بودن تجاری در همه مدل‌ها، مطابق با فرضیه استالپر - ساموئلسون است. فرضیه ماندل (باز بودن مالی) با توجه به شاخص ضریب جینی و نسبت دهک‌های نابرابری، در مورد کل کشور با توجه به آماره t معنی‌دار بوده ولی با توجه به ضریب تایید نشده است. یعنی باز بودن مالی و افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث افزایش نابرابری می‌گردد. در مورد مناطق شهری نیز فقط با شاخص ضریب جینی معنی‌دار و رد می‌گردد؛ یعنی افزایش FDI باعث افزایش نابرابری در مناطق شهری می‌شود. این فرضیه در مورد مناطق روستایی این فرضیه با توجه به سه شاخص بی‌معنی و رد شده است.

مطالعات در کشورهای دیگر نشان می‌دهد که FDI باعث افزایش درآمد نیروی کار ماهر می‌شود، بنابراین نمی‌تواند باعث کاهش شکاف درآمدی گردد.

۶) نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های مقاله می‌توان گفت:

- با افزایش تولید ناخالص ملی کشور و رشد اقتصادی، نباید نگران نابرابری درآمد بود. زیرا مربع تولید ناخالص ملی کشور، با شاخص‌های نابرابری ارتباط معکوس دارد. به عبارت دیگر، فرضیه U معکوس کوزنتس در ایران تأیید می‌گردد.
- درجه باز بودن تجاری و افزایش حجم تجارت با کشورهای دیگر باعث کاهش نابرابری می‌شود. زیرا مزیت نسبی ایران در صادرات کالاهایی است که افراد کم درآمد آن‌ها را تولید می‌کنند. صادرات محصولات کشاورزی و سنتی در مناطق کم‌درآمد و توسط افراد با درآمد پایین صورت می‌گیرد؛ اما افزایش حجم تجارت بین‌الملل باعث افزایش تقاضا و افزایش تقاضا باعث افزایش قیمت کالاها و درآمد افراد کم‌درآمد می‌شود. فرضیه استالپر - ساموئلسون در مورد مناطق روستایی بی‌معنی بوده و در مورد مناطق شهری و کل با توجه به هر سه شاخص تأیید شده است. بنابراین افزایش باز بودن تجاری اقتصاد به کاهش نابرابری در مناطق شهری و کل کشور (با توجه به سه شاخص) کمک می‌کند.
- مقدار FDI در ایران ناچیز است و بیشتر آن در صنایع نفتی و صنایع بزرگ است که عمدتاً بر ارتباط مثبت FDI و میزان نابرابری تأکید دارند. به عبارت دیگر، فرضیه ماندل در ایران تأیید نمی‌شود. افزایش حجم FDI، نابرابری درآمد را در کل کشور (با شاخص ضریب جینی و نسبت دهک‌ها) افزایش می‌دهد. با استفاده از سه شاخص در مورد مناطق روستایی و شهری ارتباطی بین FDI و نابرابری درآمد نمی‌توان مشاهده کرد.
- پیشنهاد ما این است که مطالعات آینده با تأکید بر تحلیل‌های بخشی و با استفاده از شاخص‌های دیگر فقر و در سطح مناطق نیز صورت پذیرد، تا تحلیل دقیق‌تری از موضوع داشته باشیم.

- بهکیش، محمد مهدی. (۱۳۸۰)، **اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن**، نشر نی.
- دادگر، یدالله؛ ندیری، محمد. (۱۳۸۴)، «ارزیابی جهانی شدن تجارت بر اشتغال (بخش صنعت)» **مجله تحقیقات اقتصادی**، شماره ۵۱، ۴۶-۱۷.
- رمضان پور، اسماعیل. «جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن روی اشتغال»، **مجله تحقیقات اقتصادی**.
- دادگر، یدالله و ناجی میدانی، علی اکبر. (۱۳۸۲)، «شاخص جهانی شدن اقتصاد و موقعیت ایران»، **فصلنامه پژوهش های بازرگانی**، شماره ۲۹، ۱۰۳-۱۳۵.
- شهیکی تاش، محمد نبی و عبادی، جعفر. (۱۳۸۵)، «بررسی نابرابری جریان تجاری، سرمایه گذاری درآمد در جهان به روش ناپارامتریک و دلایل آن (۱۹۶۰-۲۰۰۰)» **مجله تحقیقات اقتصادی**، شماره ۷۲.
- قریب، حسین. (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و چالش های امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۶۷، ص ۸.
- گرجی، ابراهیم و پرهانی پور محمد. (۱۳۸۷)، «اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در ایران»، **مجله پژوهش های اقتصادی ایران**، شماره ۳۴، بهار.
- مهرآرا، محسن و رستمیان، علی. (۱۳۸۵)، «ایران، میزان ادغام در اقتصاد جهانی و مزیت های نسبی»، **مجله تحقیقات اقتصادی**، شماره ۷۲.
- ناجی میدانی، علی اکبر. (۱۳۸۲). **آثار جهانی شدن بر رشد، اشتغال و توزیع درآمد در ایران**، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- نظری، محسن و بازرگانی کیا، معصومه. (۱۳۸۳)، «بررسی اثر جهانی شدن بر صنایع نساجی، پوشاک و چرم»، **مجله تحقیقات اقتصادی**، شماره ۶۴، ۱۰۳-۱۲۶.
- نظری، محسن و محمودی، مسعود. (۱۳۸۳)، «اثرات جهانی شدن بر صنایع فلزات اساسی ایران»، **مجله تحقیقات اقتصادی**، شماره ۴۲، ۱۳۶-۱۱۹.
- نورانی، سید محمدرضا. (۱۳۷۹)، «جهانی شدن کشورهای در حال توسعه و ایران»، **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۵۵-۱۵۶.
- نیلی، مسعود و فرح بخش، علی. (۱۳۸۴)، «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، **مجله برنامه و بودجه**، شماره ۳۴ و ۳۵، ص ۱۵۴-۱۲۱.
- یزدانی بروجنی، فرشید. «نگاهی به جهانی شدن و نابرابری با تاکید بر ایران»، **فصلنامه علمی پژوهش رفاه اجتماعی**، سال پنجم، شماره ۱۸.
- Adams, Samuel. (2008), Globalization income distribution: Implication for intellectual property rights, **Journal of policy modelling** 3. (2008), A725-735.

- Alderson A.S., & Nielsen, F. (1999, August). Income inequality, development, and dependence: reconsideration. **American Sociological Review**, 64(4), 606-631.
- Ariyasajjakon, P. James P, (2009). distribution of income and globalization Journal of Asian ASEAN, **Economics**, Z. (2009)327-335.
- Bardhan, Pranab (2006). Globalization and Rural Poverty, **World Development**, VOL, 34. NO, PP, 1341.
- Barro, R. J. (2000. March). Inequality and growth in a panel of countries. **Journal of Economic Growth**, 5(1), 5-32.
- Beyer, H. & Rojas, P. and Vergara, R. (1999). Trade Liberalization and Wage Inequality **Journal of Development Economic**, 59: 1, pp. 103-123.
- Erik, T. And Machiko, N. (2006). Channels and policy Debate in Globalization –Inequality-poverty Nexus. **World Development** Vol .34, NO. 8, PP.1 338-1360.
- EunLee.jong. (2003). Inequality and Globalization in Europe, **Journal of Policy Modelling**, 28, 791-796.
- Feenstra, R.C., & Hanson, G. (1997, May). Foreign direct investment and relative wages: evidence from Mexico **Journal of International Economics**, 42 (3/4), 371-393.
- Figini, P., & Gorg, VH. (1999). Multinational companies and wage inequality in the host country: the case of Ireland. **Weltwirtschaftliches Archive**, Band 135, Heft 4, 135-145.
- France, S. & Berry, A. (2000). Globalization, Liberalization, and Inequality Real Cases, Challenge, VOL, 43.
- Gouir, Ali. (2000) **Globalization and Inequality in the Arab Region** Arab planning Institute, Kuwait.
- Hanson, Gordon (2004) **Globalization, labour Income and poverty in Mexico** university of California.
- Heshmati A. (2006), Measurement of a Multidimensional Index of Globalization, **Global Economy Journal** 6(2), 1-30.

- Heshmati, Almas (2003), **The Relationship between Inequality and globalization** The united nation university.
- International Monetary Fund (1997), **World Economic Outlook**, May, Washington, p. 45.
- Jong – Eun lee (2006) Inequality and globalization in Europe **Journal of policy modeling** , Volume 28, Issue 7.
- Kearney A.T, (2002), Globalization's Last Hurrah? **Foreign Policy**. February. 2002 www.foreignpolicy.com
- Kuznets, S. (1955). Economic growth and income inequality. **American Economic Review**, 45(1), 1-28.
- Lance Taylor, **External liberalization, economic performance and distribution Latin, America and elsewhere**, WIDER working paper, NO-215. Dec. (2000).
- Ligon Ethan (2005) **poverty and welfare: costs of risk associated with globalization** university of California.
- Ma, jais. (2003). A note on Globalization and Distribution -The Case of Korea, 1975-1995 **Journal of Asian Economics** 14, 157-164. Political Studies, 25) 32(3), 363–395.
- Mahler, V.A., Jesuit, D.K., & Roscoe, D.D. (1999, May). Exploring the impact of trade and investment on income inequality. **Comparative Political Studies**, 32(3), 363-395.
- Mundel, R.A. (1957, June). International trade and factor mobility. **American Economic Review**, 47(3), 321-335.
- Neutel, Marcel and Heshnati Almas, (2006) Globalisation, Inequality and poverty Relationship: A cross country Evidence Institute for study of labour. Bonn.
- Park, C., & Kim, M. (1998). **Current poverty issues and counter polices in Korea, j Seoul: KIHASA and UNDP.**
- Paus, E., & Robinson, M.D. (1999, winter), Real wage performance under greater trade openness: lessons from Latin America and Asia. **Journal of**

- Developing Areas**, 33(2), 269-288.
- Perraton, J. (1997), The Globalization of Economic Activity, **New Political Economy**, 2:258
 - Salvatore Dominick. (2004), Growth and poverty in a globalization world **journal of policy modelling** 26(2004)54351.
 - Salvatore, Dominic (2007). Growth, international inequalities and poverty in a globalizing world, **Journal of policy modeling**, volume 29, Issue 4.
 - Stolper, W., & Samuelson, P. (1941). Protection and real wages. **Review of Economic Studies**, 9, 58-73.